



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

تأمین بر ساز و کارهای کیفری رویکرد عدالت سنجشی در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم

آزاده قربانی^۱، محمدرضا شادمان فر^{۲*}، مسعود حیدری^۳، محمود اشراقی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۳. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۴. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: عدالت سنجشی ارتباط تنگاتنگی با جرم‌شناسی نوین یا سیاست جنایی ریسک‌مدار دارد. این رهیافت جدید با تحول در نگرش و زیربنای نظریات سنتی، در علت‌شناسی جرم تغییر رویه داده است؛ چنانچه به جای تجزیه و تحلیل جرم و علل شکل‌گیری آن که در نظریات و سیاست جنایی سابق، مورد استقبال قرار می‌گرفت، با نگرشی مدیریتی، ریسک ارتکاب جرم را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و سپس وارد عرصه مدیریت این ریسک‌ها می‌شود.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: شاید در بدو امر، چنین به نظر رسد که قانون‌گذار تحت تأثیر اندیشه‌های عدالت سنجشی، در مبحث مبارزه با تأمین مالی تروریسم و با در نظر گرفتن ریسک نوع جرم، برای تعیین مجازات به صورت کلی، رویه سختگیرانه‌ای را در پیش گرفته است ولیکن نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم سال ۱۳۹۴ با تغییرات و اصلاحاتی که در سال ۱۳۹۷ در آن ایجاد گردیده، به صورت مطلق رویکرد مبتنی بر ریسک را بکار نگرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، با شفافیت آن تا حدودی در تحولات قانون ۱۳۹۷ مدنظر قرار گرفته و همسو با رویکرد عدالت سنجشی و مدیریت کیفری ریسک جرم که همان راهبردهای کیفرشناسی نوین است، می‌باشد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱

واژگان کلیدی:

عدالت سنجشی
قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم
ساز و کارهای کیفری
ریسک
مدیریت کیفری ریسک

* نویسنده مسؤول:

محمدرضا شادمان فر
آدرس پستی: ایران، اصفهان،
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان
(خوراسگان)، گروه حقوق جزا و
جرم‌شناسی.
کد پستی: ۳۹۹۹۸-۸۱۵۵۱
تلفن: ۰۱۱-۳۵۳۵۴۰۳۱
پست الکترونیک:
mrsh23@gmail.com

۱. مقدمه

امروزه اهمیت و لزوم مقابله با هر آنچه ریسک تلقی می‌شود رواج چشمگیری در کیفرشناسی کشورهای مختلف پیدا کرده است. در همین راستا در سه دهه اخیر می‌توان شاهد ظهور نگرش نوینی در سیستم‌های عدالت کیفری بود که در آنها برای پیش‌بینی رفتارهای فرد در آینده به ابزارهای بالینی و آماری تکیه می‌شود. در این رویکرد که عدالت سنجشی نام دارد به جای توجه به علت‌شناسی جرم و یافتن علل فردی اجتماعی وقوع آن که سابقاً جهت شناسایی عوامل جرم مورد استفاده قرار می‌گرفت، بزهکار بر اساس شاخصه‌ها و عوامل ریسک در گروه‌های پرخطر قرار می‌گیرد و احتمال وقوع جرم توسط او در آینده تخمین زده می‌شود. از سوی دیگر، شاخصه مهمی که در این رویکرد و برای کنترل جرم، مدنظر قرار می‌گیرد نوع جرم است که با توجه به نوع جرم، حالت خطرناکی مجرم شناخته خواهد شد. امری که در برخی مواد قوانین کیفری (از جمله ۴۷ قانون مجازات اسلامی و جرایم مهم ماده ۷۱ قانون مزبور) دیده می‌شود. بدین ترتیب در این گفتمان، هدف از بین بردن جرم نیست بلکه کاهش و کنترل ریسک بزهکاری مدنظر است. امری که اساس آن محاسبه تخمینی است و با مؤلفه مدیریت کیفری ریسک جرم، این هدف میسر می‌گردد.

در سال‌های اخیر و به طور خاص پس از دهه ۹۰ میلادی، در فضای روابط بین‌المللی بازیگران بسیار زیادی ظاهر شدند که روابط و امنیت بین‌المللی را با چالش‌های فراوانی مواجه کردند. یک دسته از این بازیگران، گروه‌های تروریستی می‌باشند. دولت‌ها چه از جهت امنیت داخلی و چه از جهت تأمین امنیت بین‌المللی در جهت مبارزه همه‌جانبه علیه گروه‌های مزبور حرکت می‌کنند. البته در این زمینه میان دولت‌ها اختلافات فراوانی در زمینه تعریف گروه‌های تروریستی، مصادیق آن و... وجود دارد. مع‌الوصف، مبارزه با تروریسم جنبه‌های مختلفی دارد که یکی از این جنبه‌ها، مبارزه با تأمین مالی تروریسم می‌باشد.

دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای مبارزه با تروریسم اقدام به تصویب مقررات داخلی مهمی نمود. مهم‌ترین اقدام در

روند قانون‌گذاری ایران، تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم می‌باشد. در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ و اصلاحات ۱۳۹۷، قانون‌گذار به مدد ابزارهای ارزیابی ریسک این جرم نسبت به مقابله کیفری در راستای مدیریت و کاهش ریسک در نهادهای مالی گام برداشته شده است.

این نوشتار با روش جمع‌آوری داده‌های اسنادی و با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه‌ای و نشریات الکترونیکی ضمن بررسی ساز و کارهای کیفری عدالت سنجشی از یک سو و بیان مدیریت کیفری ریسک جرم و جرم‌انگاری رفتارهای پرمخاطره در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به بررسی مبانی حقوقی رفتارهای مجرمانه این جرم می‌پردازد و از سوی دیگر با تبیین مجازات‌های مربوطه و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، خلأها و ضعف‌های قانون مزبور را بررسی کرده و پیشنهادهاتی را در جهت بازنگری در حوزه تقنین ارائه می‌دهد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

عدالت سنجشی ارتباط تنگاتنگی با جرم‌شناسی نوین یا سیاست جنایی ریسک‌مدار دارد. این رهیافت جدید با تحول در نگرش و زیربنای نظریات سنتی، در علت‌شناسی جرم تغییر رویه داده است؛ چنانچه به جای تجزیه و تحلیل جرم و علل شکل‌گیری آن که در نظریات و سیاست جنایی سابق، مورد استقبال قرار می‌گرفت، با نگرشی مدیریتی، ریسک ارتکاب جرم را مانند سایر ریسک‌هایی که در حوزه‌های اقتصادی،

الزام آور آنها، قطعنامه‌های شورای امنیت، به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۰۰۱، در وهله اول اهمیت قرار دارند؛ در وهله دوم، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) تدوین شده توسط سازمان ملل متحد است؛ سپس، توصیه‌های ویژه هشت‌گانه و نیز برخی از توصیه‌های مرتبط چهل‌گانه گروه اقدام مالی می‌باشد. اگرچه توصیه‌های گروه اقدام مالی برخلاف قطعنامه ۱۳۷۳ از پشتوانه ماده ۲۵ منشور ملل متحد برخوردار نیستند، ولی از نظر عملی واجد اهمیت بسیاریند. مفاد این اسناد به گونه‌ای تنظیم شده که هر یک مکمل و در مواردی تکرار دیگری است. به گونه‌ای که طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحد، اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ اجباری است؛ از طرف دیگر، طبق این قطعنامه از کشورهای عضو ملل متحد خواسته شده تا به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم ملحق شوند. تصویب و اجرای کنوانسیون نیز مستلزم تصویب قانونی داخلی است که باید مطابق قواعد و استانداردهای مقرر در کنوانسیون تدوین شده باشد. علاوه بر این‌ها، ملاحظات عملی مربوط به حفظ رابطه کارگزاری با بانک‌های خارجی نیز مستلزم اجرای توصیه‌های گروه اقدام مالی است (۱).

مقاله «نقش و جایگاه گروه ویژه اقدام مالی در نظام حقوق بین‌الملل» نوشته حبیب‌الله حبیبی که در سال ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، دامنه واکنش به پدیده پولشویی و تأمین مالی تروریسم و تکثیر تسلیحات کشتار جمعی دارای ابعاد جهانی است و با توجه به عکس‌العمل‌های متفاوت جامعه بین‌المللی که از طریق سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی به وقوع پیوست، سیاست‌های حقوقی گروه ویژه زودتر از آنچه که تصور می‌رفت، در حوزه حقوق داخلی و بین‌المللی و مراجع بین‌المللی بازتاب یافت. در این میان آنچه که جامعه بین‌المللی نسبت به آن وحدت نظر پیدا کرد، این بود که نبرد علیه پولشویی و تأمین مالی تروریسم و تکثیر تسلیحات کشتار جمعی جز از طریق و روش‌های نظام‌مند در عرصه بین‌المللی مقدور نیست. گروه ویژه به عنوان تجلی اراده دولت‌ها و بسیج عمومی جامعه جهانی در جهت ریشه‌کن ساختن پدیده‌های مزبور به شمار می‌رود. نقش و جایگاه گروه ویژه در این راستا

اجتماعی، بیمه و غیره وجود دارد مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و سپس وارد عرصه مدیریت این ریسک‌ها می‌شود. امری که با ساز و کارهای مدیریت کیفی و غیرکیفری ریسک جرم همراه است. در این رویکرد، احتمال ریسک و جرم دانستن ریسک، مورد توجه قرار گرفته که حاکی از اهمیت ارتباط میان جرم و ریسک می‌باشد. این بدان معناست که هر کجا در حوزه تقنین، احتمال وقوع رفتارهای زیانبار در آینده ارزیابی شود قانون‌گذار، وارد عمل شده و در جهت به رسمیت شناختن احتمال خطر و جرم دانستن آن اقداماتی می‌نماید. جهت‌گیری کنونی حقوق کیفری ایران من جمله در تقابل با تأمین مالی تروریسم، چنین تغییر نگرشی را در بر دارد که فارغ از انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله، نوعی پرداختن به ریسک در جرم انگاری برخی رفتارها، مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. شاید در بدو امر، چنین به نظر رسد که قانون‌گذار تحت تأثیر اندیشه‌های عدالت سنجشی، در مبحث مبارزه با تأمین مالی تروریسم و با در نظر گرفتن ریسک نوع جرم، برای تعیین مجازات به صورت کلی، رویه سختگیرانه‌ای را در پیش گرفته است ولیکن نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم سال ۹۴ با تغییرات و اصلاحاتی که در سال ۹۷ در آن ایجاد گردیده، به صورت مطلق رویکرد مبتنی بر ریسک را بکار نگرفته است و حتی در مواردی نیز آن گونه که سزاوار است میزان احتمال ریسکی که فرد برای جامعه و بزه‌دیدگان بالقوه دارد، ملاک تعیین مجازات قرار نگرفته است.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

مقاله «مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی» نوشته امیرحسین طیبی‌فرد، که در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، یکی از راه‌های مبارزه با پدیده تروریسم، مبارزه با تأمین مالی آن است. به این منظور کشورها خود بطور مستقیم یا از طریق سازمان ملل متحد مبادرت به تهیه اسناد و مقرراتی جهت مسدود نمودن راه‌های تأمین مالی تروریسم نموده‌اند. از حیث اهمیت و اعتبار شکلی و وصف

مقاله «بررسی جرم‌شناختی تأمین مالی تروریسم» نوشته وحید وزیری که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، تأمین مالی تروریسم، به مجموعه اعمالی اطلاق می‌شود که با ارائه یا جمع‌آوری مبالغ به هر نحو و با هر توجیهی از جمله پرداخت جزیه، مالیات، خرید و فروش مواد مخدر، قاچاق انسان و سایر تجارت‌های سیاه انجام می‌شود که به صورت مستقیم و غیرمستقیم و برخلاف قانون و به عمد و با وجود قصد به شکل‌های گوناگونی همچون پول نقد، ارائه اموال منقول و غیرمنقول، حواله‌ها و ابزار الکترونیک در اختیار این گروه‌ها قرار می‌گیرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی جرم‌شناختی تأمین مالی تروریسم است و سوال اصلی در این پژوهش این است که، از دیدگاه جرم‌شناختی و با تبیین نظریات جرم‌شناسی به بررسی چرایی گرایش افراد، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف به حمایت مالی از گروه‌های تروریستی پرداخته شود؟ نظریات جرم‌شناختی چون معاشرت افتراقی، خنثی‌سازی را جرم بیان می‌کنند (۳).

۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

همان‌طور که در قسمت پیشینه تحقیق مشاهده شد، پژوهش‌های موجود بر یک محور مهم تمرکز دارند و آن اسناد و تعهدات بین‌المللی در ارتباط با مبارزه با تأمین مالی تروریسم می‌باشد. اما در ارتباط با نوآوری پژوهش حاضر باید دقت داشت که تمرکز آن بر بررسی جرم تأمین مالی تروریسم از منظر قوانین داخلی با رویکرد عدالت سنجشی می‌باشد. این رویکرد در هیچ‌کدام از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه حقوق کیفری ایران مورد توجه نویسندگان قرار نگرفته است.

۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

حوزه تأمین مالی تروریسم از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در صورت فقدان منابع مالی، عملاً گروه‌های تروریستی برای ارتکاب جرائم مختلف با موانع زیادی مواجه می‌شوند. در نتیجه چنانچه ورودی مالی گروه‌های تروریستی کنترل و متوقف شود، ارتکاب اعمال تروریستی نیز تا حد چشمگیری کاهش خواهد یافت. در نتیجه هر دولتی لازم است به صورت

به‌مثابه یک سازمان بین‌المللی، همواره مورد بحث و مناقشه در حوزه حقوق بین‌الملل بوده است. نویسندگان در پی اثبات این فرضیه‌اند که گروه ویژه یک سازمان بین‌المللی با قلمرو جهانی است و نقش، جایگاه و توصیه‌های آن با حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل عرفی مطابقت دارد.

مقاله «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال تروریسم و تأمین مالی آن» نوشته باقر شاملو که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، در قلمرو حقوق بین‌الملل، دولت‌ها تعهداتی مبنی بر پیش‌گیری و مقابله با جرائم تروریستی و عدم حمایت و پشتیبانی از این جرائم دارند؛ و دولتی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مرتکب جرائم تروریستی شود، مسئول خواهد بود. هرگونه پشتیبانی و حمایت مالی از تروریسم اعم از مستقیم یا غیرمستقیم به موجب کنوانسیون‌های بین‌المللی ممنوع بوده و مسئولیت دولت را به همراه خواهد داشت. پذیرش مسئولیت مدنی و کیفری بین‌المللی دولتی که جرم تروریستی با حمایت آن ارتکاب یافته، می‌تواند واکنش مناسبی نسبت به این جرم باشد. این مقاله به واکاوی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال تروریسم و تأمین مالی آن پرداخته است. مقاله‌ی حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه‌ی اسناد و منابع مکتوب نگاشته شده و گردآوری اطلاعات آن، از طریق مطالعه‌ی کتابخانه‌ای صورت گرفته است. پژوهش حاضر مبین آن است که با گسترش و توسعه‌ی جرائم تروریسم دولتی و سایر جرائم بین‌المللی و با توجه به حجم بالای خسارات و تلفات بر جای مانده از آن‌ها و همچنین هدف قرار گرفتن منافع و مصالح حیاتی دولت‌ها و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، اغلب کشورها ضرورت تطبیق و به کارگیری نظریه‌ی مسئولیت کیفری بین‌المللی دولت را درک نموده و به این باور دست یافته‌اند که، نتایج مثبت تطبیق این نظریه بسیار بیشتر از نتایج منفی احتمالی آن است. و این‌که مبارزه با جرائم بین‌المللی جز با قبول مسئولیت کیفری دولت علاوه بر مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب این‌گونه جرائم، به ثمر نخواهد نشست (۲).

دقیق در جهت طراحی و تصویب قوانین داخلی قدرتمند برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم حرکت کند. به بیان ساده‌تر، بررسی قوانین راجع به مبارزه با تأمین مالی تروریسم و شناخت خلأهای آن‌ها، و در نهایت تلاش برای رفع خلأهای مزبور می‌تواند نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت داخلی و بین‌المللی ایفا کند. اهمیت این مسئله تا جایی می‌باشد که قریب به دو دهه پیش، کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم در سال ۱۹۹۹ به تصویب رسید. با در نظر گرفتن مقررات عرفی و کنوانسیون‌های مختلف در فضای روابط بین‌المللی، دولت‌ها برای مبارزه همه‌جانبه با تروریسم، دارای مسئولیت می‌باشند. در راستای همین مسئولیت، لازم است که ساختارها و چهارچوب‌های حقوق داخلی به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند.

۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش حاضر ذکر دو نکته حائز اهمیت است؛ اول این‌که، مبارزه با تأمین مالی تروریسم صرفاً در مقررات حقوق داخلی و به طور خاص در چهارچوب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ و اصلاحات ۱۳۹۷ مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت؛ دوم این‌که، صرفاً رویکرد عدالت‌سنجشی در تحلیل مقررات مزبور مدنظر نگارندگان قرار دارد.

۵-۵. مفهوم شناسی

در این قسمت به بررسی و شناخت مفاهیمی که در پژوهش حاضر به کار رفته‌اند، می‌پردازیم.

۵-۵-۱. کیفرشناسی نوین یا عدالت‌سنجشی

پیدایش مفاهیم ریسک و جامعه مخاطره‌آمیز تأثیرات قابل توجهی را در شیوه علت‌شناسی وقوع جرایم، مفاهیم جرم، مجازات، اهداف بازپروری و اصلاح افراد در حقوق کیفری مدرن در پی داشته است، امری که نهایتاً منتج به طرح رویکردهای نوین ریسک‌مدار گردیده است. توضیح آن‌که؛ منطق مبتنی بر ریسک و جامعه مخاطره‌آمیز در تحلیل‌های

جرم‌شناختی و رویکردهای حقوق کیفری باعث گردیده که دغدغه مقابله پیش‌دستانه با رفتارهایی که تهدیدکننده ایمنی و امنیت در زندگی بشری هستند پررنگ گردد (۴). در گفتمان کیفرشناسی ریسک‌مدار، امنیت یک دغدغه جدی است. بدین ترتیب در قیاس گفتمان کیفرشناسی سنتی با کیفرشناسی ریسک‌مدار می‌توان گفت نوعی تغییر بنیادین گفتمان صورت گرفته و این امر بدان معناست که علی‌رغم توجه کیفرشناسی سنتی به اخلاق، این گفتمان به تأکید بر ریسک و امنیت تغییر رویه داده است (۵). به تعبیر فیلی و سیمون، کیفرشناسی نوین شامل مجموعه رویه‌هایی عمدتاً آماری است که تغییر بزهکاران را با بازپروری آنان در اولویت قرار نمی‌دهد بلکه بیشتر مدیریت احتمال ارتکاب و خطری را که برای امنیت مردم دارند دربرمی‌گیرد. این دو جرم‌شناس با کاربرد اصطلاح کیفرشناسی نو خواستند ذهنیت و جهت‌گیری جدید کیفرشناسی یعنی طرد مجرمانه از طریق سلب توان مجرمانه را القاء کنند اما بعدها به جای این اصطلاح از عنوان عدالت‌سنجشی یا تخمینی استفاده کردند (۶). بنابراین نظریه مدیریت ریسک جرم، که حاصل روی گردانی از رسالت اصلاح و درمان و علت‌شناسی جرم بود در راهبرد سیاست کیفری منجر به رویکرد عدالت‌سنجشی و در راهبرد جرم‌شناختی با تمرکز روی عمل مجرمانه بجای مجرم و تمرکز بر مدیریت ریسک جرم منجر به پیشگیری وضعی گردید. در نهایت، این رویکرد مدیریتی در راهبرد کیفری عنوان عدالت‌سنجشی گرفته است که به استراتژی دوگانه نیز معروف است و با اقتباس از نظریه ریسک در بیمه، مجرمان را بر اساس خطر آنان دسته‌بندی می‌کند. تقسیم‌بندی مجرمان به دو گروه پرریسک و کم‌ریسک و اعمال سیاست کیفری سختگیرانه، نظارت و کنترل حتی بعد از طی دوره محکومیت برای مجرمین پرریسک از ره‌آوردهای این گفتمان است (۷).

۵-۵-۲. مفهوم ریسک

از نظر علمی، ریسک نقطه ثقل شاخه‌ای از علم مدیریت، به نام مدیریت ریسک است. فرهنگ مدیریت رهنما ریسک را چنین تعریف می‌کند: «ریسک عبارت است از هر چیزی که حال یا

داشتن تأمین‌کنندگان مالی تروریسم از بکارگیری سیستم مالی کشور برای اهداف غیرقانونی، دوم کشف تأمین مالی تروریسم در هر زمان و هر جایی که اتفاق می‌افتد و سوم مجازات کسانی که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند (۱۱). آنچه مسلم است اینکه ترساندن و برحذر داشتن این‌گونه مجرمان، نه تنها به مبحث پیشگیری مربوط می‌گردد بلکه با ابزار ناتوان‌سازی چنین مجرمانی و اعمال مجازات‌های سنگین می‌توان سایرین را تا حدودی برحذر داشت. امری که به فرضیه بازدارندگی عمومی حاصل از اعمال مجازات کیفری برمی‌گردد. هرچند که عده‌ای مخالف این فرضیه هستند (۱۲).

۵-۶-۱. تأمین مالی تروریسم

امروزه تروریسم آن‌چنان در سطح بین‌المللی گسترش پیدا کرده که دیگر نمی‌توان از نقض امنیت یک کشور خاص صحبت کرد، بلکه بزه‌دیده تروریسم به طور مستقیم یا غیرمستقیم جامعه بین‌المللی است و شرایط جدید تروریسم را به یک پدیده فرامرزی تبدیل کرده است. وجود این واقعیت لزوم مبارزه‌ای جهانی علیه تروریسم را آشکار می‌سازد. واقعیت آن است که گستردگی و درجه بالای تهدید تروریسم نقطه عطفی در حوزه نیاز به مبارزه با تأمین مالی ایجاد کرده است. تلاش‌های وافر حقوقی و سیاسی نتوانسته پاسخ منسجم و مورد اجماعی در حقوق بین‌الملل در جهت مبارزه با تروریسم ارائه دهد. از آنجایی که در قرن حاضر خصوصیت مالی، از عوامل مهم تأثیرگذار در تروریسم است بنابراین تا حدود زیادی از رهگذر عدم تأمین منابع مالی تروریسم می‌توان به مهار این پدیده مجرمانه رسید (۱۳).

یکی از راه‌های مبارزه با پدیده تروریسم، مبارزه با تأمین مالی آن است. در واقع تأمین مالی تروریسم برای فعالیت‌های تروریستی امری ضروری است. این امر ممکن است از طریق منشأ قانونی مانند کمک‌های شخصی، سود کسب و کار و سازمان‌های خیریه و یا منشأ مجرمانه و غیرقانونی مانند تجارت مواد مخدر، قاچاق اسلحه و سایر کالاها، تقلب، آدم ربایی و اخاذی تأمین شده باشد. تروریست‌ها همانند پولشویان از تکنیک‌ها و فن‌آوری‌هایی استفاده می‌کنند که بتوانند در

آینده دارایی یا توان کسب درآمد شرکت، موسسه یا سازمانی را تهدید می‌کند». بدیهی است که تعریف یاد شده ریسک در امور مالی و اقتصادی را مدنظر قرار داده است (۸).

۵-۵-۳. تبیین مدیریت ریسک جرم

وظیفه مدیریت ریسک، کاهش احتمال وقوع رخداد‌های نامطلوب و یا کاهش شدت اثرات منفی وقایع نامطلوب می‌باشد. این فرآیند را می‌توان یک فرآیند تصمیم‌گیری، جهت انتخاب و اجرای باصرفه‌ترین و مؤثرترین تکنیک‌ها و اقدامات در رویارویی با ریسک‌های مختلف سیستم جهت به حداقل رساندن آنها دانست. در واقع، از آنجایی که معمولاً بودجه و امکانات مادی و انسانی سیستم عدالت کیفری محدود است، دیدگاه مدیریتی به دنبال بکارگیری بهینه این امکانات است. بنابراین مدیریت ریسک یک نگاه هزینه - فایده و یا به تعبیر دیگر اقتصادی دارد. کارآمدترین و در عین حال باصرفه‌ترین تکنیک‌ها بایستی شناسایی و به کار گرفته شوند (۹). در واقع سیاست جنایی ریسک‌مدار این اندیشه را در دل خود دارد که در جامعه انسانی وقوع بزهکاری امری بهنجار و ذاتی است و جامعه عاری از جرم وجود ندارد. بنابراین باید به دنبال کنترل جرم و تقلیل آن به یک حد قابل قبول از نظر شدت و نرخ ارتکاب بود. بنابراین، هدف و محور اصلی حوزه این سیاست جنایی، مدیریت ریسک مجرمین است بدین معنا که مجرمین پرخطری را که نمی‌توان با نظارت و کنترل در جامعه از ارتکاب جرم بازداشت؛ با ابزار کیفری ناتوان می‌سازند و سایر مرتکبان نیز در بستر جامعه و از طریق ابزار کیفری مورد نظارت و کنترل قرار می‌گیرند یا از ارتکاب بزه باز داشته می‌شوند. بنابراین امری که برای مهار مجرمان پرخطر با ناتوان‌سازی بکار گرفته می‌شود، به عنوان ساز و کارهای مدیریت کیفری ریسک جرم شناخته می‌شود (۱۰).

۵-۶. عدالت سنجشی و فرآیند مدیریت کیفری ریسک

تأمین مالی تروریسم

هر کشوری برای مقابله با تأمین مالی تروریسم لازم است سه هدف اولیه را در نظر داشته باشد: نخست، ترساندن و برحذر

با تأمین مالی تروریسم و آیین‌نامه اجرایی، مجرمین بر اساس روش‌های ارزیابی خطر، به گروه‌های پرریسک و کم‌ریسک طبقه‌بندی شده و رویکردی مبتنی بر ریسک به علت حساس و خطرناک بودن این جرم اتخاذ گردیده است.

۵-۶-۲-۱. تهیه یا جمع‌آوری یا مصرف

رفتارهای این جرم طبق ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ عبارتند از: الف- «تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی برای انجام اعمال تروریستی یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی» در قانون اصلاحی مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷ کلمات «عامدا و عالما» از صدر ماده حذف گردیده و مقنن، دو صورت در این ماده متصور گردیده است:

اول آن که منابع مالی برای انجام اعمال زیر تأمین شود، یا آن که جهت ارائه به تروریست‌ها یا سازمان‌های تروریستی تأمین گردد. در فرض اول، انجام دادن اعمال تروریستی مندرج در ذیل ماده، یا توسط خود فرد تأمین‌کننده صورت می‌گیرد یا آن که وفق فرض دوم، حمایت مالی جهت ارائه به دیگر تروریست‌ها انجام می‌گیرد که در هر دو صورت در حوزه تقنینی، در قانون اصلاحی، به این موارد با پیروی از رویکرد عدالت‌سنجشی و مخاطرات مربوط به جرم، اهمیت دوچندان داده شده است. حال آن که در قانون سال ۱۳۹۴ «هرگونه جمع‌آوری وجوه و اموال یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی جهت انجام اعمال تروریستی یا جهت ارائه به افراد تروریست یا گروه‌های تروریستی به صورت عامدا و عالما» بود و واژه (تهیه) نیز وجود نداشت.

نکته قابل توجه دیگر در قانون ۱۳۹۴ آن‌که اگر فردی وجوهی را برای انجام اعمال خشونت‌آمیز و خرابکاری و غیره توسط خودش، وارد چرخه مالی و بانکی می‌کرد مشمول این ماده نمی‌شد. بنابراین عنصر مادی این جرم عبارت است از تأمین مالی که با استفاده از کلمات «تهیه، ارائه یا جمع‌آوری» مفهوم بسیار وسیعی دارد. بنابراین اگر شخصی به هر وسیله‌ای به صورت مستقیم یا غیرمستقیم وجوهی را ارائه یا جمع کند تا

مقابل توجه مقامات در جهت شناسایی هویت حامیان خود و صندوق‌های بودجه و مالی در جهت نادیده انگاشته شدن، محافظت کنند. به هر حال، مخفی نگه داشتن منشأ تأمین مالی تروریسم چه مشروع و چه غیرمشروع مهم است، زیرا اگر منشأ مخفی بماند امکان استفاده از آن برای فعالیت‌های بعدی فراهم می‌شود. برای تروریست‌ها هم، مخفی نگه داشتن مهم است زیرا در این صورت فعالیت بعدی آنان بدون پیگیری ادامه می‌یابد (۱۴).

۵-۶-۲. مدیریت کیفی ریسک؛ ساز و کار عدالت

سنجشی در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم

تخصصی‌ترین سازمان فراملی در حوزه مبارزه با تأمین مالی تروریسم، گروه ویژه اقدام مالی است. نتیجه اقدامات این گروه منجر به تدوین و ارائه توصیه‌هایی به کشورها شد تا به موجب آن به صورت کارآمد به مقابله با تأمین مالی تروریسم بپردازند. مطابق آخرین توصیه این کارگروه که مربوط به سال ۲۰۱۲ است، ارزیابی و اتخاذ رویکرد مبتنی بر ریسک، توسط کشورها ضرورت دارد و کشورها باید ریسک‌هایی را که در ارتباط با تأمین مالی تروریسم با آن مواجهند را شناسایی، ارزیابی و بررسی کنند. در حال حاضر در نتیجه فعالیت‌های فنی و حقوقی گروه ویژه اقدام مالی، کشور ایران نیز مدیریت ریسک را در پاسخ به تأمین مالی تروریسم در پیش رو گرفته است (۱۵). در این جهت مبارزه با تأمین مالی تروریسم، از طرق مختلف از جمله اتخاذ تدابیر پیشگیرانه به منظور شناسایی پیش از موعد منابعی که در راستای کمک به عملیات تروریستی مورد نقل و انتقال قرار می‌گیرند و همچنین اقدامات واکنشی مانند مجازات مرتکبین تأمین مالی تروریسم و انسداد دارایی‌های آنان صورت می‌پذیرد.

۵-۶-۲-۱. مبانی حقوقی رفتارهای مجرمانه تأمین مالی

تروریسم

عدالت‌سنجشی به عنوان رویکردی منبعث از سیاست جنایی ریسک‌مدار سعی در تقویت اهداف مدیریتی، نظارت و کنترل مجازات‌ها دارد. برای عملیاتی کردن این مهم، در قانون مبارزه

نمی‌شود. بنابراین سزاوار است که در میزان دیه مندرج در ماده و یا حذف آن تغییراتی اعمال شود. چرا که هدف غایی از مجازات منطبق بر عدالت سنجشی که همانا پریسک بودن رفتار مرتکب است برآورده نمی‌گردد.

۵-۶-۲-۲. معاونت به عنوان جرمی مستقل

با در نظر داشتن اینکه اعمال تروریستی به عنوان یکی از جرایم علیه امنیت در کشورها عملی مجرمانه است، تعقیب کیفری هرگونه اقدامی که به منظور تسهیل این جرایم انجام شود، از جمله تأمین مالی آن، تحت عنوان معاونت در جرم امکان‌پذیر بود. اما در حال حاضر تأمین مالی تروریسم خود تحت عنوان جرمی مستقل جرم‌انگاری گردیده است. جرم‌انگاری رفتارهایی که زمینه‌ساز ارتکاب جرایم دیگر هستند امری مرسوم در حقوق کیفری است و به آن‌ها «جرایم مانع» گفته می‌شود در واقع اقدامات کیفری که برای ارتکاب یک جرم در نظر گرفته می‌شود گاهی اوقات ناظر به قوانین ماهوی است یعنی قوانینی که وارد ماهیت عمل مجرمانه می‌شوند و از حیث جرم بودن یا عدم آن و میزان مجازات اظهارنظر می‌کنند (۱۷). در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم نیز تکنیک جرم‌انگاری رفتارهایی که می‌توانست تحت عنوان معاونت در جرم تلقی گردد، اما خود به عنوان جرم مستقلی در نظر گرفته شده به علت حساسیت و خطرناک بودن مجرم و رفتارهای او و رویکرد مبتنی بر ریسک در نظر گرفته شده است.

۵-۶-۲-۳. برابر دانستن مجازات شروع به جرم با

مصدق تام، به عنوان جلوه‌ای از عدالت سنجشی

امر دیگر شروع به جرم در این قانون است که تبصره ۱ ماده ۱ بدان اشاره کرده و در پاراگراف سوم ماده ۲ کنوانسیون نیز بدان اشاره شده است، هرگاه شخص، مبادرت به تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال نماید، و قبل از مصرف یا استفاده یا ارائه به افراد یا سازمان‌های تروریستی به واسطه عامل خارج از اراده وی قصدش معلق بماند، نیز مجازات مرتکب اصلی را دارد. به طور کلی مقررات مربوط به محاربه، فقط مباشر جرم

صرف عملیات تروریستی شود مرتکب جرم شده است. بنابر ظاهر ماده صرف ارائه یا جمع‌آوری وجوه جهت ارتکاب اعمال تروریستی برای تحقق جرم کافی است و نیاز به تحقق نتیجه یعنی استفاده از وجوه مزبور به منظور ارتکاب عمل تروریستی نیست این بدان معناست که جرم تأمین مالی جرمی مطلق است و نیاز به حصول نتیجه ندارد (۱۶). این امر به دلیل پریسک بودن این اعمال است. بدان معنا که ماهیت خطرناک این جرم موجب گردیده که تحت شعاع مدیریت کیفری ریسک، برای جرم‌انگاری آن احتیاجی به وقوع نتیجه خاصی نباشد. امری که در بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ بدان اشاره شده است. در واقع قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم تأسی گرفته از کنوانسیون مزبور است.

در ادامه ماده در بند الف، تأمین مالی برای «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سو قصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید که دیه آن بیش از یک سوم دیه کامل باشد، توقیف غیرقانونی و گروگانگیری اشخاص و یا اقدام خشونت‌آمیز آگاهانه علیه مردم یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آنها به قصد تأثیرگذاری بر خط‌مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی» و یا ارتکاب خود این اعمال را مشمول مقررات این قانون دانسته است. به نظر نگارنده، در این بند، در جایی که بیان گردیده دیه بیش از یک سوم دیه کامل باشد، که مشمول این قانون گردد، چه بسا اقدامات و رفتارهای خشونت‌آمیزی که می‌تواند منجر به آسیب جسمانی شدید، اما با میزان یک چهارم دیه کامل شود. مثلاً ماده ۵۹۱ قانون مجازات اسلامی شکافتن هر یک از پلک‌های پایین را موجب یک چهارم دیه کامل دانسته است. حال اگر شخصی تأمین مالی برای خود یا گروهی انجام دهد و یا اقدام به این اعمال به قصد تأثیرگذاری بر خط‌مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی نماید چنانچه اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی به پلک پایین یک فردی گردد، و موجب ارباب و وحشت شود مشمول عنوان مجرمانه این قانون

اداری، انتظامی امنیتی یا قضائی ذیصلاح اعلام کنند، در غیر این صورت به مجازات تعزیری درجه هفت محکوم می‌شوند. این ماده عموم مردم را بیان می‌کند. علی‌الاصول کشف جرم، وظیفه دستگاه قضا و ضابطین است و نه عموم مردم و صرف سکوت در مورد جرمی که دیگری انجام داده است یا می‌خواهد انجام دهد را نمی‌توان جرم محسوب کرد (۱۷). ولیکن در این ماده وظیفه اطلاع‌رسانی در مورد جرائمی که دیگران قصد انجام آن را دارند، نه فقط برای ضابطین دادگستری بلکه برای عامه مردم تکلیف گردیده است، در واقع الزام جامعه مدنی بر مشارکت در گزارش این جرم و پیش‌بینی مجازات برای آنها در صورت عدم انجام وظیفه، نشانه‌ای از تقارن خطر و جرم مزبور است. در ظاهر می‌توان این‌گونه بیان داشت که جرم‌انگاری سکوت در قبال رفتار مجرمانه در این قانون، می‌تواند به علت رویکرد مبتنی بر ریسک باشد ولیکن آنچه بدیهی است آن که مجازات مندرج در این ماده بازدارندگی به همراه نخواهد داشت زیرا فردی که اطلاع دارد چنین جرمی به وقوع خواهد پیوست و سکوت کند تا جرم تأمین مالی تروریست شکل بگیرد و حال آن که این جرم راهی به سوی جرایم تروریستی است نمی‌توان به صرف اطلاع ندادن به مجازات تعزیری درجه هفت محکوم کرد. چرا که سکوت فرد منجر به جرایم بسیاری می‌گردد. پس به نظر می‌رسد باید مجازات این جرم تشدید شود تا با میزان ریسک و خطرناکی وی تناسب داشته و بازدارندگی را تا حدودی در بر داشته باشد. ملاحظه مجازات تعزیری درجه هفت مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، که حبس از نود و یک روز تا شش ماه و یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا شلاق از یازده تا سی ضربه و یا محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه را دربرمی‌گیرد، و نیز سایر تخفیفات و یا ملاحظات قانونی مقرر با این جرایم، مؤید این مطلب است. در واقع، علی‌رغم آن که قانون‌گذار نظر بر تقارن و اقتباس از عدالت سنجشی و مدیریت ریسک در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم داشته است ولیکن می‌توان دید که در این باب، آن‌گونه که شایسته است ریسک رفتار پرخطر بزهکار

را قابل مجازات محاربه می‌داند در حالی که در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم نه تنها به مباشر اصلی جرم توجه می‌شود بلکه هر کسی که در جهت تأمین مالی ارتکاب عمل تروریستی مشارکت داشته، یا شروع به اقدام یا تهدید کند مسئول قلمداد گردیده است (۱۸). در واقع در این تبصره، شروع را در حکم ارتکاب محسوب نموده است. به طور عادی مقنن، همه شروع به جرم‌ها را جرم نمی‌داند، بلکه فقط شروع به جرایم مهم را شایسته جرم‌انگاری می‌داند. سیاست کیفری سخت‌گیرانه به دلیل ماهیت خاص این نوع از جرایم و نیز خطر افراد مرتکب این رفتارها است. در این جرایم مقنن فرصت تحقق نتیجه یا حتی رسیدن عمل به حد خاصی را به مجرم نمی‌دهد و عمل ارتكابی را در هر مرحله‌ای که باشد، جرم و قابل مجازات می‌داند (۱۹).

۵-۶-۲-۴. وضعیت سردستگی

در ماده ۷ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، سردستگی، سازماندهی یا هدایت دو یا چند شخص در ارتکاب جرائم موضوع این قانون اعم از این که عمل آنان مباشرت یا معاونت در جرم باشد علل مشدده محسوب گردیده است در واقع این ماده مباشرت یا معاونت در این جرم را به سبب انجام این رفتارهای مجرمانه سبب تشدید مجازات دانسته است. از سویی ارتکاب جرائم مذکور به صورت سازمان‌یافته از علل مشدده مجازات محسوب گردیده ولیکن نقش معاونان در جرایم سازمان‌یافته مورد غفلت واقع شده یعنی مقنن صرفاً سردستگی در گروه مجرمانه را مورد توجه قرار داده است (۲۰). در ماده ۷ نقش معاونان در ارتکاب جرائم به صورت سازمان‌یافته مورد غفلت واقع شده یعنی مقنن صرفاً سردستگی، سازمان‌دهی و هدایت و معاونت آنها را ذکر کرده، اما در قسمت دوم ماده ارتکاب جرایم مذکور به صورت سازمان‌یافته اگر به صورت معاونت در جرم باشد، مغفول مانده است.

۵-۶-۲-۵. جرم‌انگاری سکوت

مطابق ماده ۳ قانون مزبور، کلیه اشخاص مطلع از جرائم موضوع این قانون، موظفند مراتب را در اسرع وقت به مقامات

۱۳۹۴ محکوم به مجازات مقرر اداری و انتظامی نمی‌گردد بلکه نظر به رهیافت عدالت سنجشی و ساز و کار کیفری، مشمول مجازات‌های تعزیری درجه ۷ قرار گرفته است. در واقع در این ماده عمد و آگاهی فرض قانونی قرار داده شده است و این بدان معناست که در حوزه تقنین نظر بر مدیریت ریسک این جرم بوده است. مضافاً اینکه مجازات وفق تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون منع تأمین مالی تروریسم، راجع به شخص حقیقی، تسری به مؤسسات و اشخاص حقوقی پیدا کرده و ارجاع به قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۰ آن داده شده است.

۵-۶-۲-۷. عدول از اصل برائت

در برخی از جرایم از اصل برائت، عدول و اماره مجرمیت حاکم می‌شود. از جمله مبانی اماره مجرمیت ضرورت تسهیل اثبات جرایم پیچیده و خطرناک است. مثلاً صرف عضویت در سازمان‌های تروریستی دلالت بر علم و آگاهی شخص از اهداف و کارکرد این سازمان دارد و شخص برای تبرئه خود باید خلاف آن را اثبات کند از جمله مبانی عدول از اصل برائت و گرایش به اماره مجرمیت به لزوم حفظ مصلحت و نظم عمومی و یا لزوم تسهیل اثبات جرائم پیچیده و خطرناک می‌توان اشاره کرد. این به دلیل جایگزینی اماره مجرمیت به جای اصل برائت نیست بلکه در اینجا اصل برائت نیز جاری است ولی اهمیت جرم، شخص را با کمترین ظن در جایگاه متهم قرار داده است (۱۶). در حقوق کیفری پند حکیمانه‌ای وجود دارد که به فرمول بلک استون مشهور است و بیان می‌دارد: «بهرتر است که ده نفر از افراد مجرم تبرئه شود تا آن که فردی بی‌گناه محکوم شود» و اگر این قاعده در مورد جرایم تروریستی بازگو شود آیا این گزاره صحیح است که «بهرتر است ده حمله تروریستی به وقوع بپیوندد تا اینکه بخواهیم مانع یک نفر شویم که به تصور غلط ما می‌خواهد حمله تروریستی انجام دهد؟» بنابراین عقل سلیم حکم می‌کند که در این ساحت رویکرد عدالت سنجشی و مدیریت ریسک وارد قوانین کیفری گردد (۱۷). چنانچه در پرتو این رویکرد به علت طبع جرم تأمین مالی تروریسم و خطراتی که ممکن است متوجه جامعه شود، الزامات حقوق بشری در مراحل تحقیقات مقدماتی،

و کاهش آن که هدف کیفرشناسی نوین است مورد توجه قرار نگرفته که البته بازننگری در حوزه تقنین ضرورت دارد.

۵-۶-۲-۶. جرم‌انگاری عدم گزارش‌دهی عملیات

مشکوک به تأمین مالی تروریسم

ماده ۱۳ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم بیان می‌دارد: «تمامی اشخاص و نهادها و دستگاه‌های مشمول قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ موظفند به منظور پیشگیری از تأمین مالی تروریسم اقدامات زیر را انجام دهند:

الف- شناسایی مراجعان هنگام ارائه تمام خدمات و انجام عملیات پولی و مالی از قبیل انجام هرگونه دریافت و پرداخت، حواله وجه، صدور و پرداخت چک، ارائه تسهیلات، صدور انواع کارت دریافت و پرداخت، صدور ضمانت‌نامه، خرید و فروش ارز و اوراق گواهی سپرده، اوراق مشارکت، قبول ضمانت و تعهد ضمانت به هر شکل از قبیل امضای سفته، برات و اعتبارات اسنادی و خرید و فروش سهام (شناسایی دقیق مراجعان)

ب- نگهداری مدارک مربوط به سوابق معاملات و عملیات مالی اعم از فعال و غیرفعال و نیز مدارک مربوط به سوابق شناسایی مراجعان، حداقل به مدت پنج سال بعد از پایان عملیات (نگهداری ۵ ساله اطلاعات مبادلات بانکی)؛ و در ادامه، ماده ۱۴ قانون مزبور، کلیه اشخاص مشمول قانون مبارزه با پولشویی را موظف به گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم کرده و در تبصره چنین مقرر گردیده: «هر یک از اشخاص مذکور وظایف مندرج در این قانون را انجام ندهد، به مجازات معاون جرم محکوم می‌شود.» منظور از وظایف مندرج، موارد مصرحه ماده ۱۳ و گزارش عملیات مشکوک است. در قانون سال ۹۴ در تبصره ۱ ماده ۱۴ «از روی آگاهی و عمد» یا «برای کمک و تسهیل ارتکاب جرم» ملاک معاون جرم بودن محسوب می‌شد و اگر اهمال و سهل‌انگاری صورت گرفته بود مجازات اداری و انضباطی داشت ولیکن در قانون اصلاحی سال ۹۷ انجام ندادن وظایف مندرج در این قانون توسط اشخاص مشمول قانون و عدم گزارش‌دهی عملیات مشکوک، جرم‌انگاری گردیده و مجازات معاون جرم را در پی دارد و چنانچه فرد مشمول اهمال و سهل‌انگاری گردد مانند قانون

۵-۶-۳. مجازات مرتکبین، تأمین مالی تروریسم، ساز و

کار کیفری

۵-۶-۳-۱. مجازات مندرج در ماده ۲

ماده ۲ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، مجازات تأمین‌کننده مالی را بیان کرده، چنانچه تأمین مالی تروریسم در حکم محاربه یا افساد فی‌الارض تلقی شود مرتکب به مجازات آن محکوم می‌شود. مجازات محاربه وفق ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی، یکی از چهار مجازات اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ می‌باشد، و از سوی دیگر مجازات مفسد فی‌الارض، وفق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، اعدام می‌باشد. بدین ترتیب این مجازات‌ها، در مورد مرتکبین تأمین مالی تروریسم، که در حکم محاربه هستند اعمال می‌شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال و در صورت عدم وجود عین اموال معادل ارزش آن به نفع دولت، به مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین شده محکوم می‌شود.

در وهله اول، مجازات تأمین‌کننده مالی، در حکم محاربه یا افساد فی‌الارض تلقی گردیده است. و چنانچه در حکم این جرایم محسوب نگردد، محکومیت به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین‌شده بیان گردیده است. جزای نقدی به عنوان یکی از مهم‌ترین پاسخ‌های اصلی به جرایمی تلقی می‌شود که دارای ریسک هستند (۲۲). برای بسیاری از جرایم به ویژه جرایم مبتنی بر ریسک‌پذیری، جزای نقدی به عنوان یک ساز و کار مبتنی بر نرخ‌گذاری مجازات مدیریتی مبتنی بر ریسک و البته مؤثری را فراهم می‌آورد. همچنین این مجازات می‌تواند به عنوان ابزاری برای جبران هزینه‌های ناشی از این جرایم بکار رود. البته در جایی که این جرایم، ریسکی را به بار می‌آورد که غیرقابل قبول است (به ویژه ریسک‌های علیه تمامیت جسمانی اشخاص) توسل به سایر مجازات‌ها ضروری خواهد بود (۲۲). چنانچه تأمین مالی تروریسم، محاربه یا افساد فی‌الارض تلقی نگردد، با وصف اینکه جرم مخاطره‌آمیز یا توأم با ریسک انجام گرفته و یا می‌توان گفت که ریسک، جدی است مجازات حبس می‌تواند چاره‌ساز باشد که این

دادرسی کیفری و اجرای حکم با استثنائاتی روبرو هستند. و نیز در برخی شرایط اضطراری، که در آن حیات ملت تهدید می‌شود به استناد ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی امکان تعلیق برخی از قواعد حقوق بشری وجود دارد. البته این بدان معنا نیست که حقوق این‌گونه مجرمین رعایت نمی‌شود بلکه ماده ۱۷ کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم برخورد عادلانه با افرادی که در اثر ارتکاب این جرم بازداشت می‌شوند و لزوم رعایت حقوق بشر، در مورد این مجرمین را مورد تأکید قرار داده است (۱۶).

۵-۶-۲-۸. تصریح به عدم شمول این جرم در جرایم

سیاسی

ماده ۱۰ تصریح بر این دارد که: «جرایم موضوع این قانون، جرم سیاسی محسوب نمی‌گردد» این ماده به تبصره ۳ ماده ۱ نیز اشاره دارد که وفق توافق‌نامه‌های معاضدت قضایی یا هر توافق‌نامه دیگری در زمینه مبارزه با تأمین مالی تروریسم، دولت‌ها حق استرداد مجرمین حامی مالی تروریسم را دارند. استرداد عبارت از باز پس گرفتن متهم یا مجرم از کشوری است که پس از ارتکاب به آنجا گریخته است (۲۱). زمانی که دولتی نسبت به مجرمی که در قلمرو دولت دیگری است صلاحیت کیفری دارد، تنها ابزار حقوقی که می‌توان به وسیله آن مجرم فراری را در مقابل دادگاه کیفری آن دولت حاضر کرد، استرداد است. عمل استرداد فقط در مورد جرایم سیاسی مستثنی شده است، این اصل را هم تقریباً همه کشورها پذیرفته‌اند. به دلیل آن که زیان‌دیده از جرم سیاسی، حاکمیت و دولت است و لذا تسلیم او به حاکمیتی که مجرم سیاسی دشمن آن به شمار می‌آید خارج از قاعده انصاف است (۲۱) ولیکن معاهدات ضدتروریسم، بیانگر تمایل دولت‌ها در خارج ساختن بعضی از جرایم از شمول جرم سیاسی است که مشمول قواعد استرداد مجرمین می‌گردد.

مجرم به مجازات مفسد فی الارض یا محارب محکوم می‌شود چه می‌تواند باشد. می‌توان بیان داشت که در فرض مفسد فی الارض که مجازات اعدام است ولیکن در مجازات محارب به دلیل تخییر مجازات ۴ گانه، مجازات تکمیلی می‌تواند در سایر مجازات‌های ماده ۲۸۲ سوای از اعدام بر مجرم اعمال گردد.

۵-۶-۳. اجرای کیفرهای مالی

یکی از راهکارهای قابل توجه در راه پیشگیری از وقوع جرایم، شناسایی تسهیل‌کننده‌های جرم و سپس ارائه راهکارهایی در جهت حذف این تسهیل‌کننده‌هاست. اگر تسهیل‌کننده‌ها نقشی در پیدایش مسئله داشته باشند باید ریشه‌های این تسهیل‌کننده‌ها را جهت مبارزه با وقوع جرم از بین برد (۲۳). در وقوع عملیات تروریستی وجود بودجه‌های مالی از مهم‌ترین تسهیل‌کننده محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، با تغییر شرایط و ایجاد مشکلاتی که بزهکار احتمالی با آن روبرو می‌شود، و نیز بالا بردن خطر انجام جرم برای مجرم، می‌توان از وقوع جرایم دیگر جلوگیری کرد. آنچه که کلارک و همکارانش نسبت به آن نظر داده‌اند. امری که با پیشگیری از رساندن بودجه به تروریست‌ها می‌توان از اقدامات تروریستی پیشگیری کرد و بر شریان‌های مالی آنها ضربه وارد کرد؛ آنچه که به درستی در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مورد توجه قرار گرفته است. قانون مذکور و آئین‌نامه اجرایی آن، بحث توقیف و مصادره اموال را در سه مرحله از وقوع جرم مورد اشاره قرار داده است. نخست، در مرحله‌ای که هنوز وقوع جرم اثبات نشده و ظن به رخ دادن آن وجود دارد. ماده ۱۷ آیین‌نامه مقرر می‌دارد که واحد اطلاعات مالی به عنوان مرجع وصول گزارش معاملات و عملیات مشکوک موظف است در صورت ظن ارتکاب جرم تأمین مالی تروریسم به منظور جلوگیری از مخدوش شدن و از بین رفتن آثار جرم تا رسیدگی مراجع قضایی و اقدام ضابطان دادگستری، نسبت به اعلام مراتب به مقام قضایی جهت انسداد سریع و موقت حساب و توقیف وجوه و دارایی‌های مرتبط با تأمین مالی تروریسم و جلوگیری از هرگونه نقل و انتقال اموال اقدام نماید (۱۷).

موضوع در ماده ۲ قانون مذکور، به ۲ تا ۵ سال حبس تقنین گردیده است.

مسئله دیگر در این ماده آن است که آیا جزای نقدی مندرج در ماده مزبور اعم از شخص حقیقی و حقوقی است و یا آن که ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی راجع به شخص حقوقی قابلیت تسری به این بخش را دارد؟ یعنی اگر شخص حقیقی در معیت شخص حقوقی مبادرت به تأمین مالی تروریسم نماید وفق این ماده هر دو به دو تا چهار برابر منبع مالی تأمین‌شده جهت جزای نقدی محکوم می‌شوند و یا آن که دادگاه می‌تواند شخص حقیقی را به جزای نقدی این ماده و شخص حقوقی را به دو تا چهار برابر جزای نقدی شخص حقیقی این ماده وفق ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی محکوم نماید؟ پاسخ این فرض در ماده ۴ این قانون بیان گردیده که بطور مصرح، قانون‌گذار ارتکاب توسط شخص حقوقی را ارجاع به قانون مجازات اسلامی داده است، بنابراین برای شخص حقوقی ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی قابل اجراست.

۵-۶-۳. مجازات تکمیلی

ماده ۶ مجازات تکمیلی برای مرتکب جرم را بیان کرده و دادگاه را مکلف به محکوم نمودن مرتکب به حداکثر دو مورد مجازات تکمیلی مندرج در قانون مجازات اسلامی نموده، آنچه بدیهی است آن که اعمال مجازات تکمیلی وفق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی امری اختیاری است؛ و دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری (اصلاحی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در قانون به یک یا چند مجازات تکمیلی محکوم نماید. لیکن وفق نص صریح ماده ۶ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم دادگاه مکلف به محکوم نمودن مرتکب به حداکثر به دو مورد گردیده است از آنجا که هدف عمده مجازات‌های تکمیلی خنثی کردن حالت خطرناک و نیز خنثی کردن عملیات مجرمانه بعدی است به وضوح می‌توان «تکلیف دادگاه» را برای اعمال این مجازات به جهت بهره‌گیری از رویکرد عدالت سنجشی مشاهده نمود. سوالی که ممکن است به ذهن متبادر گردد آن است که منظور مقنن در حالتی که

تأمین منابع مالی تروریست‌ها تخصیص می‌یابد، باید شناسایی و سپس صادره و توقیف شوند. لذا در این ماده استفاده از کیفرهای مالی نسبت به اشخاص حقیقی و نیز نسبت به اشخاص و نهادهای حقوقی امری معمول قلمداد شده است (۲۴).

۶. نتیجه‌گیری

عدالت سنجشی به عنوان رویکردی منبث از سیاست جنایی ریسک‌مدار، سعی در تقویت اهداف مدیریتی، نظارتی و کنترل مجازات‌ها دارد و برای عملیاتی کردن این اهداف، مجرمین را بر اساس روش‌های ارزیابی خطر به دو گروه مجرمین پریسک و کم‌ریسک تفکیک و در مورد گروه اول استراتژی سختگیرانه در پیش می‌گیرد. در همین راستا و با ورود این نگرش در سیاست کیفری ایران، و از جمله در تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، دامنه مسئولیت توسعه پیدا کرد و این عمل به عنوان جرمی مستقل جرم‌انگاری گردید چرا که ماهیت این جرم، به معاونت در جرم شباهت دارد، در واقع به عنوان مرتکب اصلی تلقی کردن تأمین‌کنندگان تروریسم، با وصف آن که در عملیات تروریستی نقش مستقیم ندارند و می‌تواند به عنوان تسهیل‌کننده عملیات تروریستی و معاونت در آن تلقی شود، به علت نفوذ ساز و کار مدیریت کیفری عدالت سنجشی در این جرم است. و نظر به اینکه از دید مقنن، این‌گونه مجرمین دارای وصف خطرناک هستند (پریسک) و یا آن که جرم دارای وصف خطرناک است، لذا اعمال مجازات سختگیرانه نیاز است. چرا که هدف عدالت سنجشی، ناتوان‌سازی مجرمین خطرناک است. در همین راستا، اتخاذ رویکرد مبتنی بر ریسک و تلاش جهت مدیریت ریسک جرم تأمین مالی تروریسم را می‌توان نشان از تغییر دیدگاه نسبت به این جرم دانست. در واقع الزام کشورها به تدوین قوانین داخلی در راستای طرح فراملی گروه ویژه اقدام مالی در زمینه مبارزه علیه تأمین مالی تروریسم و تدوین سند ارزیابی ریسک این جرم، ریشه در ساز و کارهای کیفری عدالت سنجشی دارد. آن‌گونه که در مواد ۲ و ۶ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم آمده است و مجازات تأمین‌کنندگان

بر اساس ماده ۱۶ آئین‌نامه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، کلیه اشخاص مشمول قانون مبارزه با پولشویی مکلف گردیده‌اند در مواجهه با اشخاص مندرج در فهرست تحریمی که به موجب تبصره ۱ این ماده توسط کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارت‌خانه‌های امور اقتصادی و دارایی، اطلاعات، کشور، صنعت، معدن و تجارت، دادگستری و امور خارجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسدود کردن وجوه و توقیف اموال و دارایی اقدام و ضمن اعلام موضوع به واحد اطلاعات مالی مراتب را با فوریت جهت اخذ دستور مقام قضایی به مراجع ذی‌صلاح قضایی اعلام نمایند (۱۷).

سپس هنگام تحقیقات مقدماتی ماده ۵ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به وظیفه مراجع قضایی و ضابطان دادگستری که تحت تعلیمات، نظارت یا دستور این مراجع می‌باشند در خصوص شناسایی و مسدود کردن وجوه استفاده شده برای جرایم تأمین مالی تروریسم یا عواید به دست آمده از آنها و همچنین شناسایی و توقیف اموال موضوع جرایم مذکور اشاره کرده است (۱۷).

در نهایت پس از اثبات وقوع جرم در مرحله اعمال ضمانت اجرای کیفری، موضوع صادره وجوه و اموال به نفع دولت، به عنوان یکی از مجازات‌های جرم تأمین مالی تروریسم در ماده (۲) قانون مطرح گردیده است. مسدود شدن حساب‌های تروریست‌ها امری بدیهی است که طبق هر قانونی باید انجام گیرد. چرا که مرحله پس از ارتکاب جرم، اجرای مجازات است ولیکن بحث مسدود شدن حساب‌ها پیش از اثبات جرم که ذکر گردید، منظور حساب‌هایی است که مشکوک به انجام بودجه‌رسانی به گروه‌های تروریستی هستند. این حساب‌ها بسته می‌شوند تا بررسی کامل درباره آنها صورت گیرد. طبق قوانین، معاملات و حساب‌های مشکوک به واحدهای مربوطه مانند شورای عالی مبارزه با پولشویی در ایران یا واحد FIU گزارش می‌شوند. از آنجا که تروریست‌ها در صورت نداشتن بودجه نمی‌توانند با موفقیت عملیات مجرمانه خود را اجرایی کنند بنابراین کیفرهای مالی می‌توانند جنبه‌های ارباب‌انگیز بسیار بالایی داشته باشند. طبق ماده ۸ تمام وجوهی که برای

خطرناک بودن چنین مجرمی باشد و البته می‌تواند موجب تجری مجرمان گردد؛ چرا که در حوزه عدالت سنجشی، تکرار جرم، فاکتوری است که از یک جهت برای تصمیم‌گیری درخصوص میزان ریسک فرد و طبقه‌بندی او بکار می‌رود. از آنجا که الگوی تأمین مالی تروریسم در سال‌های اخیر تغییر کرده و گروه‌های تروریستی برای تأمین هزینه‌های خود به شیوه‌های جدید متوسل می‌شوند. بنابراین شناسایی ریسک باید از پویایی برخوردار باشد. زیرا در طول زمان و بسته به چگونگی تهدیدها و شرایط، بررسی ریسک نیز باید تغییر کند. برای مثال امروزه ارزش‌های مجازی نیز تبدیل به ابزاری قدرتمند جهت ارتکاب تأمین مالی تروریسم گردیده است. با عنایت به تغییر شیوه‌های این جرم، ایجاد می‌کند که موارد جدید نیز در این زمینه پیشنهاد و تصویب شود. بدین ترتیب هر نظام سنجش ریسک زمانی می‌تواند کارآمد باشد که از پویایی لازم برخوردار باشد و با شناسایی حوزه‌های جدید نسبت به آن نیز چاره‌اندیشی کند. با همه این اوصاف، جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، با شفافیت آن تا حدودی در تحولات قانون ۹۷ مدنظر قرار گرفته و همسو با رویکرد عدالت سنجشی و مدیریت کیفری ریسک جرم که همان راهبردهای کیفرشناسی نوین است می‌باشد. جرم‌انگاری و قابل تعقیب بودن هرگونه اقدامی که با هدف تأمین مالی افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی صورت پذیرد حتی اگر هنوز به کمک آن هیچگونه جرم تروریستی به وقوع نپیوسته باشد، برابر دانستن مجازات شروع به جرم با مصداق تام آن، توسعه گستره و تعریف این جرم، و حذف کلمات «عالما و عامدا»، در حکم محاربه یا افساد فی‌الارض محسوب کردن مرتکبین این جرم، جرم‌انگاری سکوت نسبت به این جرم و عدم گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم و سیاسی تلقی نشدن این جرم، همه از جمله تحولات ناشی از ساز و کارهای کیفری عدالت سنجشی در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم است.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

مالی تروریسم را به موارد مجازات محاربه و افساد فی‌الارض مندرج در قانون مجازات اسلامی ارجاع داده است. از سوی دیگر، از آنجا که وجود منابع مالی، از ارکان اساسی وقوع تروریسم است، استفاده از مجازات‌های مالی هم بسیار تأکید می‌گردد چرا که تروریست‌ها در صورت نداشتن منابع مالی و بودجه نمی‌توانند با موفقیت مبادرت به اجرای عملیات مجرمانه خود نمایند. بنابراین کیفرهای مالی می‌تواند جنبه‌های ارباب‌انگیزی بالایی داشته و مقصود و هدف مدیریت کیفری عدالت سنجشی را برآورده سازد. ولیکن به نظر می‌رسد در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، در ماده ۲ چنانچه مجرم، به محاربه و مفسد فی‌الارض محکوم نشود و از طرفی جهت مصادره اموال، عین اموال وجود نداشته باشد به معادل ارزش آن و جزای نقدی ۲ تا ۵ برابر محکوم می‌شود، به نظر می‌رسد برای مدیریت کیفری چنین جرم پریسکی، که هدف، نشانه رفتن منابع مالی است، چنین جزای نقدی‌ای در قیاس با جرایم دیگر، که به پریسکی این جرم نمی‌باشند، کم است. نکته حائز اهمیت دیگر در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم که مورد توجه قرار نگرفته است تکرار جرم در مورد ماده ۳ قانون مزبور است. چنانچه شخصی با توجه به سکوت خود به مجازات تعزیری درجه ۷ محکوم می‌شود و اعمال تروریستی یا تأمین مالی تروریسم صورت می‌گیرد، و مجدداً مرتکب سکوت نسبت به اعمال مندرج در قانون می‌شود یعنی تکرار جرم می‌کند، در این قسمت با توجه به این که در بحث مدیریت ریسک جرم، تکرار جرم هم از مقولاتی است که علاوه بر خطرناکی عمل، مورد توجه قرار می‌گیرد، ملاحظه می‌گردد که ساز و کار کیفری دقیقی در این رابطه قانون‌گذاری نشده است. از سوی دیگر با توجه به مقررات عمومی قوانین جزایی، وفق ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مقررات تکرار جرم مشمول جرایم تعزیری درجه ۷ نمی‌شود. امری که کاملاً مغایر با فلسفه رویکرد مبتنی بر ریسک است چرا که عدالت سنجشی با تأکید بر ریسک بزهکاران و از طریق راهبردهای مدیریتی به دغدغه تأمین امنیت در مقابل ریسک (خطر) احتمالی بزهکاران بالقوه و نیز احتمال تکرار جرم پاسخ می‌دهد. حال آن که تکرار چنین جرمی، می‌تواند حاکی از

۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

References:

1. Tayebifard A. Combating the financing of terrorism in international documents. *Legal Journal*. 2005;32(1):259-305. (Persian).
2. Habibi H. The role and position of the Financial Action Task Force in the international legal system. *Legal Research*. 2021;45(1):301-22. (Persian).
3. Vaziri V, Haji Dehabadi AM. The Criminological Study of Terrorism Financing. *Political and International Researches Quarterly*. 2020;43(1):157-79. (Persian).
4. Burton M, Cammiss S, Sanders A, Young R. *Sanders and Young's Criminal Justice*. Oxford: Oxford University Press; 2021.
5. Grant D. *Privacy in the Age of Neuroscience: Reimagining Law, State and Market*. Cambridge: Cambridge University Press; 2021.
6. González C. The Victim As a Client of the Penal System. In: Becerra J, editor. *Criminal Law-Making*. London: Springer International Publishing; 2021. p. 171-89.
7. Murphy B. *Regulating Undercover Law Enforcement: The Australian Experience*. London: Springer Nature; 2021.
8. McShane M, Hsieh M. *Women and Criminal Justice*. London: Wolters Kluwer; 2021.
9. Mertz E, Klug H, Talesh S. *Research Handbook on Modern Legal Realism*. London: Edward Elgar Publishing Limited; 2021.
10. Slobogin C. *JUST ALGORITHMS: Using Science to Reduce Incarceration and Inform a Jurisprudence of Risk*. Cambridge: Cambridge University Press; 2021.
11. Denmark D, Clare J, Morgan F, Stritzke WG, Lewandowsky S. *Terrorism and torture: An interdisciplinary perspective*. Cambridge: Cambridge University Press; 2009.
12. Vaughan B, Kilcommins S. *Terrorism, Rights and the Rule of Law*. London: Taylor & Francis; 2013.
13. Ridley N, Ridley N. *Terrorist financing: The failure of counter measures*. London: Edward Elgar Publishing; 2012.
14. Walker C, King C, Gurulé J. *The Palgrave handbook of criminal and terrorism financing law*. London: Springer International Publishing; 2019.
15. Shamloo B, Khalili A. Risk-oriented approach of criminal policy against money laundering. *Journal of Criminal Law*. 2020;21(1):127-52. (Persian).
16. Asgari M. Innovative Ideas and Criminal Thoughts: The Boundary of Collective Financing and Terrorist Financing). *Criminal Law Research*. 2019;33(1):129-57. (Persian).
17. Haji Dehabadi M, Khatami S. Iran's Criminal Policy on the Crime of Terrorist Financing in the Light of International Requirements. *Quarterly Journal of Comparative Research in Islamic and Western Law*. 2013;3(1):37-64. (Persian).
18. Ismaili M. Prevention of Terrorism in Iran. *Quarterly Journal of Crime Prevention Studies*. 2010;5(14):131-58. (Persian).
19. Pourbafarani H. *Specific Criminal Law: Crimes against Public Security and Welfare*. Tehran: Jangal Publications; 2011. (Persian).
20. Moghimi M, Sufi Zumrod M. The concept and realm of organized crime in the Islamic Penal Code. *Detective*. 2015;11(44):47-64. (Persian).
21. Pourbafarani H. *International Criminal Law*. Tehran: Jungle Publications; 2013. (Persian).
22. Ameli P. *Crime and Risk*. Tehran: Jangal Publications; 2018. (Persian).
23. Clark R. *Preventive Criminology (60 Procedures and Strategies for Crime Prevention)*. Tehran: Zard Organization Publications; 2005. (Persian).
24. Sabouri M, Alipour S. Prevention of Terrorism through Combating Financing. *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*. 2015;84(1):125-46. (Persian).

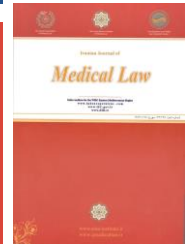


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

A Reflection on the Criminal Mechanisms of an Actuarial Justice Approach in the Anti-Terrorist Financing Law

Azadeh Ghorbani¹, Mohammadreza Shadmanfar^{2*}, Masoud Heidari³, Mahmood Ashrafy⁴

1. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 4 April 2021

Accepted: 17 August 2021

Published online: 22 August 2021

Keywords:

Actuarial Justice
Anti-Terrorism Financing Law
Criminal Mechanisms
Risk
Criminal Risk Management

ABSTRACT

Background and Aim: Actuarial justice is closely related to modern criminology or risk-oriented criminal policy. This new approach has changed the etiology of crime by changing the attitude and foundation of traditional theories; If instead of analyzing the crime and the causes of its formation, which was welcomed in the former criminal theories and policies, from a managerial perspective, it evaluates and measures the risk of committing a crime and then enters the field of managing these risks.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Results: At first glance, it may seem that the legislature, under the influence of critical justice ideas, has taken a strict approach to determining punishment in general when it comes to combating the financing of terrorism and taking into account the risk of the type of crime. However, the results of the research show that the Law on Combating the Financing of Terrorism in 1394, with the changes and amendments that were made in 1397, has not absolutely applied a risk-based approach.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: The criminalization of terrorist financing, with its transparency, has been considered to some extent in the developments of the 1397 law and is in line with the approach of critical justice and criminal risk management, which is the same as the new penal strategies.

* Corresponding Author:

Mohammadreza Shadmanfar

Address: Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Postal Code: 81551-39998

Telephone: 31-35354001

Email: mrsh23@gmail.com

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical Law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Ghorbani A, Shadmanfar MR, Heidari M, Ashrafy M. A Reflection on the Criminal Mechanisms of an Actuarial Justice Approach in the Anti-Terrorist Financing Law. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.

This open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution NonCommercial 4.0 License (CC BY-NC 4.0).